الگوی تجارت خارجی ایران

از: دکتر ابراهیم رزاقی

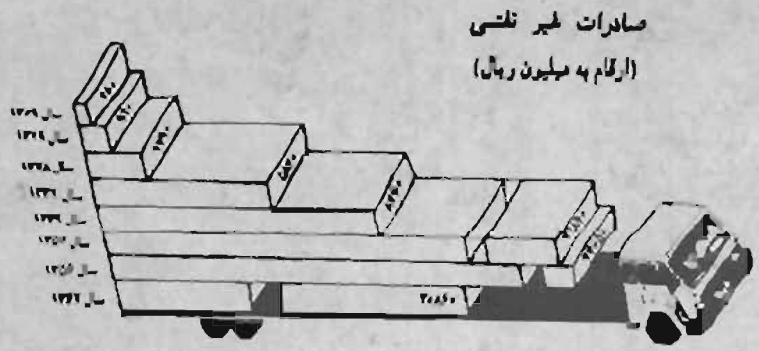

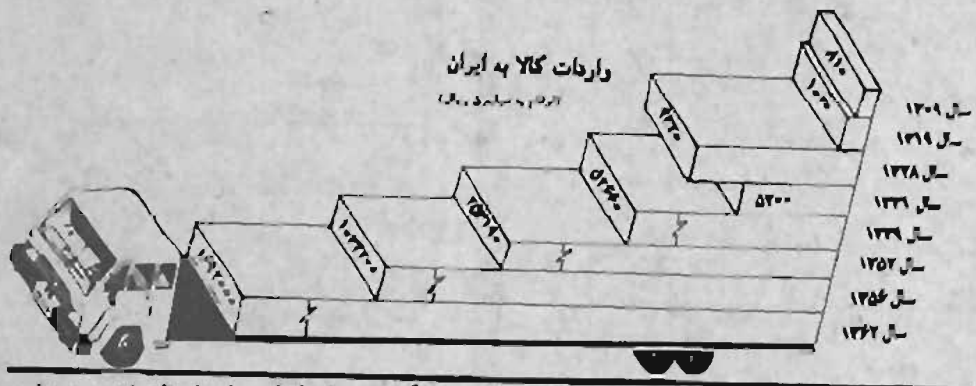

تجارت خارجی در کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری عاملی تعادل بخش برای اقتصاد محسوب می‌شود، در شرایطی که تولید کالائی مازاد بر تقاضای داخلی است و کاهش قیمت آن مطرح می‌باشد، با صدور کالای اضافی ضمن تأمین درآمد ارزی، از کاهش قیمت جلوگیری می‌شود. در شرایط کمبود تولید نسبت به تقاضای داخلی نیز که معمولاً افزایش قیمت کالا را در پی دارد با ورود کالای مورد نظر سطح مطلوب قیمتها حفظ می‌شود.

با توجه به ماهیت تقسیم بین‌المللی کار و نحوهٔ قیمت گذاری کالاها در بازارهای بین‌المللی، کشورهای توسعه یافته سرمایه داری با خرید مواد اولیهٔ کشاورزی و معدنی کشورهای جهان سوم به قیمت ارزان و فروش کالاهای ساخته شده صنعتی خود با قیمت گران به آنها، تجارت خارجی را به عنوان عامل تعادل بخش و در عین حال توسعه بخش بکار می‌گیرند.

جریان انتقال سرمایه به کشورهای توسعه یافته نه تنها از ارزان خریدن و گران فروختن مزبور صورت می‌گیرد بلکه تعیین معیار، تعیین قیمت و ارز پرداختی، ارزش رسمی و واقعی ارز مورد معامله نیز ابزار مکمل تجارت جهانی با چنین محتوائی محسوب می‌شود. وام دادن و اعطای اعتبار طریقه کشورهای جهان سوم، سرمایه گذاری در این جهان و سهم حمل و نقل بین‌المللی از ابزارهای دیگر مکمل تجارت بین‌المللی سود کشورهای پیشرفته می‌باشد. ولی اساسی ترین محور اصلی، تقسیم بین‌المللی کار است که دکترین علیرغم تغییراتی چند(۱) هنوز در مورد اکثر کشورهای جهان سوم به قوت خود باقی است.

کشورهای توسعه یافته سرمایه داری که از همان آغاز توسعه اقتصادی خود، علاقه تابرابر بازرگانی و تمرکز ارزش‌های اقتصادی ایجاد شده جهان را در کشورهای خود مورد توجه قرار دادند، تجارت خارجی را بخشی، جهانی از نظر توسعه اقتصادی بشمار آورده و کلیه ابزارهای نظامی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی لازم را برای تسلط بر جریان تجارت بین‌المللی بکار گرفتند. کارآترین این ابزارها تقسیم بین‌المللی کار است.

تقسیم جهان به دو گروه کشورهای تولید کننده مواد اولیه و کشورهای تولید کننده صنعتی که ریشه در نخستین ارتباطات کشورهای توسعه یافته فعلی سرمایه داری دارد با قطع ارتباط بین بخش صنعتی و کشاورزی اقتصاد داخلی مستعمرات، نیمه مستعمرات، ضمن نابودی صنایع داخلی این کشورها، بخش کشاورزی و معدنی آنها را تابعی از بازارجهان ساخت. به تدریج با رشد کاذب این بخش‌ها (بدون ارتباط با نیازهای داخلی بویژه با بخش صنعت داخلی) و نابودی و بازگرد صنعت داخلی، جستجوی بازار خارجی از سوی کشورهای عقب نگهداشته شده برای مواد اولیه تولیدی داخلی اهم از مواد کشاورزی و معدنی، با توجه به تحمیل چنین الگوی تولیدی به بسیاری از کشورها که نتیجه آن تولید بیش از تقاضای این مواد می‌باشد امری مشکل گردید. ازسوی دیگر افزایش هزینه‌های ارزی اقتصادهای جهان سوم و تکیه بیش از حد این کشورها به بخش کشاورزی ومعدنی که توسعه ورشد آن نیزبا واردات امکانات تولیدی از خارج تأمین شده و می‌شود سر نزولی قیمت جهانی این مواد و نوسانات شدید قیمت و درآمد آن درسالهای مختلف، ضربه پذیری اقتصادی این کشورها را تشدید می‌کند.

اصالهٔ تولید جهانی این مواد نسبت به مصرف آن در اغلب سالها حتی در سالهای رونق اقتصادی کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری، عاملی اساسی در روند نزولی قیمت مواد اولیه صادراتی جهان سوم محسوب می‌شود. علاوه بر این در شرایط وجود بحران اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، کاهش خرید این کشورها، کاهش قیمت و کاهش درآمد ارزی ناشی از تنزل صادرات این مواد را برای جهان سوم در پی دارد. با توجه به تک محصولی بودن این کشورها، به نسبت اهمیت صادرات این مواد در مقدار درآمد ارزی کل و نتیجتاً اهمیت آن در هزینه های ارزی، امکانات سرمایه گذاری های توسعه بخش دچار صدمه می‌شود و برنامه های اقتصادی را با شکست مواجه می‌سازد.

تجارت خارجی در اقتصاد ایران، در گذشته های دور که اقتصاد کشور دارای بخش های موزون بوده و رشد بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات آن در ارتباط متقابل با یکدیگر صورت می‌گرفت، نقش حاشیه ای ایفا می‌کرد. اما همراه با رشد سرمایه‌داری در اروپا و تسلط آن بر اقتصاد جهان و تحمیل تقسیم بین‌المللی کار یاد شده بر کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره از جمله بر کشور ایران، به تدریج تجارت خارجی نقشی اساسی را در اقتصاد کشور بعهده گرفت. در اثر اجرای سیاستهای اقتصادی دوره پهلوی، برخلاف دوره قبلی که اقتصاد ایران نسبت به بازار جهانی بیشتر انفعالی عمل می‌کرد، روابط سرمایه داری با استفاده از کلیه ابزارهای خرد و کلان در ایران گسترش یافت. سرمایه داری ایران مشابه دیگر کشورهای جهان سوم (بطور عمده)، به دلیل اختلاف در سطح توسعه با کشورهای توسعه یافته و تسلط این کشورها بر جهان، علاوه بر دیگر نقائص این نظام، دارای نقص اساسی وابستگی نیز شد. رشد سرمایه داری وابسته ایران به گونه‌ای انجام شد که نه تنها راهی برای کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری از نظر بازارهای خارجی بوجود نیاورد بلکه برعکس موجبات رشد اقتصادی آنها را از هر سو فراهم کرد. در این دوره، با پیدایش نفت بمقدار زیاد و با هزینه تولید اندک در کشور، ایران از یک طرف به اقتصاد تک محصولی نفت کشیده شد و نیازهای کشورهای توسعه یافته به این کالا را با ارزان‌ترین قیمت فراهم کرد و از طرف دیگر با نابودی صنایع سنتی، عقب ماندگی کشاورزی، ایجاد صنایع مونتاژ و بالاخره مقبولیت الگوی مصرف امپریالیستی، هرساله حجم قابل توجهی کالا به ایران صادر شد. در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و اجرای برنامه های عمرانی و در راستای رشد اقتصادی ذکر شده، هزینه های ارزی روبه افزایش، با ازدیاد صادرات نفت خام تأمین می‌شد. البته افزایش درآمد ارزی از طریق افزایش صادرات نفت خام با محدودیتی همراه بود که به ساختار بازار بین‌المللی نفت از نقطه نظر میزان تقاضای نفت خام مربوط می‌شد؛ ولی از سال ۱۳۵۲ با افزایش شدید قیمت نفت، یکباره درآمدارزی فلانی با توجه به تداوم مقدار صادرات نفت خام تحصیل شد. تحدیدنظر در برنامه پنجم عمرانی و هزینه کردن تقریباً کلیه درآمدهای بدست آمده مزبور، تغییرات ایجاد شده قبلی در اقتصاد و تجارت خارجی ایران را بشدت تعمیق بخشید. از این دیدگاه مشخصات تجارت خارجی ایران از ۱۳۵۰ به بعد واقعیت الگوی تجارت خارجی را بطور روشن‌تری نشان می‌دهد.

الف ـ واردات:

از نظر سهولت تشریح الگوی تجارت خارجی ایران ابتدا خصوصیات واردات را مورد بررسی قرار می‌دهیم. واردات ایران به دنبال تغییرات بوجود آمده در اقتصاد ایران و به دنبال قطع ارتباط بین بخش های اقتصادی دچار

جدول شماره ۲ـ ترکیب کالاهای وارداتی — برحسب واحد ارزش

سال	ترکیب کالا	کالاهای واسطه ای	کالاهای مصرفی	کالاهای سرمایه ای	سایر	جمع
۱۳۴۲		۵۵/۵	۲۴/۲	۲۰/۳	۰	۱۰۰
۱۳۴۳		۵۲/۹	۲۳/۲	۲۱/۹	۰	۱۰۰
۱۳۴۴		۵۲/۲	۱۷/۵	۲۹/۸	۰	۱۰۰
۱۳۴۵		۵۷/۴	۱۵/۳	۲۷/۱	۰	۱۰۰
۱۳۴۶		۵۹/۷	۱۲/۶	۲۷/۷	۰	۱۰۰
۱۳۴۷		۶۱/۶	۱۱/۳	۲۷/۱	۰	۱۰۰
۱۳۴۸		۶۴/۰	۱۰/۹	۲۵/۱	۰	۱۰۰
۱۳۴۹		۶۳/۷	۱۲/۹	۲۳/۴	۰	۱۰۰
۱۳۵۰		۵۸/۵	۱۰/۵	۳۱/۰	۰	۱۰۰
۱۳۵۱		۵۸/۰	۱۲/۰	۳۰/۰	۰	۱۰۰
۱۳۵۲		۶۲/۸	۱۴/۲	۲۳/۰	۰	۱۰۰
۱۳۵۳		۶۲/۹	۱۹/۰	۱۹/۰	۰	۱۰۰
۱۳۵۴		۵۴/۵	۱۵/۰	۳۰/۵	۰	۱۰۰
۱۳۵۵		۵۴/۵	۱۵/۰	۳۰/۵	۰	۱۰۰
۱۳۵۶		۵۴/۱	۱۸/۴	۲۷/۵	۰	۱۰۰
۱۳۵۷		۵۲/۴	۱۹/۴	۲۸/۲	۰/۲	۱۰۰
۱۳۵۸		۵۲/۷	۲۶/۲	۱۸/۹	۰	۱۰۰
۱۳۵۹		۵۶/۲	۲۶/۸	۱۶/۸	۰	۱۰۰
۱۳۶۰		۶۰/۹	۲۳/۲	۱۵/۹	۰	۱۰۰
۱۳۶۱		۵۷/۹۲	۱۹/۴۹	۲۲/۵۸	۰	۱۰۰
۱۳۶۲		۵۹/۹	۱۶/۱	۲۴	۰	۱۰۰

مأخذ: از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۹ از گزارشهای سالیانه بانک مرکزی ایران از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷ از سالنامه آماری کشور ۱۳۵۸ صفحه ۹۹۵، از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ از سالنامه آماری کشور سال ۱۳۶۱ صفحه ۷۱۴ سال ۶۱ بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب، اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی ص ۳۸ـ سال ۶۲ از سالنامه آماری کشور سال ۱۳۶۳ ص ۹۹۵

*** در ۵ سال منتهی به سال ۱۳۶۲، بابت صادرات غیر نفتی روی هم فقط ۲/۴ میلیارد دلار درآمد ارزی کسب کرده ایم ودرمقابل با ۹۲ میلیارد دلار هزینه ارزی واردات کالا، رقمی نزدیک به ۹۰ میلیارد دلار ازثروت ملی زوال پذیر خودرا بابت واردات پرداخته ایم.**

*** کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری تجارت خارجی رابخشی حیاتی ازنظر توسعه اقتصادی به شمار آورده و کلیه ابزارهای نظامی، سیاسی، حقوقی واقتصادی لازم رابرای تسلط برجریان تجارت بین المللی به کارگرفته اند.**

دگرگونی شد و بنوبه خود در نتایج حاصله از تغییرات مزبور و اصولا در چگونگی این تغییرات تأثیر قاطع گذاشت.

*** ۱ـ نخستین خصیصه تجارت خارجی ایران، افزایش شدید واردات از نظر وزنی و ارزشی می باشد.**

افزایش مزبور که در ارتباط با امکانات ارزی برای واردات و در نتیجه مقدار ارز بدست آمده از صادرات نفت صورت گرفت در انطباق با تغییرات رخداده در صنعت نفت افزایش یافت. بافزایش درآمد ارزی ایران پس ازسال های ۱۳۱۲ که قرارداد نفت با شرکت نفت انگلیس و ایران منعقد و امتیازدارسی ظاهراً به کنار گذاشته شد. (این افزایش در آمد ناشی از افزایش صادرات نفت و افزایش اندکی در بهای هر بشکه نفت بود) واردات ایران چند سال بیابی (تا ۱۳۱۹) از نظر وزنی و ارزشی فزونی یافت. اما در دوره طی کردن صنعت نفت و قطع در آمد نفتی و اتخاذ سیاستهای جدید در تجارت خارجی، الگوی تجارت خارجی دچار تغییر شد و واردات ایران بویژه از نظر وزنی کاهش شدیدی پیدا کرد (جدول شماره ۱).

پس از انعقاد قرار داد با کنسرسیوم در سال ۱۳۳۳ واردات در ارتباط با ایجاد مجدد و افزایش در آمدهای نفتی و در پاسخ به سیاستهای اقتصادی مربوط به رشد سرمایه داری وابسته از نوع آمریکائی آن، به شدت افزایش یافت و واردات از ۵۸۰ هزار تن به ارزش ۸ میلیارد ریال در ۱۳۳۳ به ۴/۸۳ میلیون تن به ارزش ۱۵۷/۷ میلیارد ریال در ۱۳۵۰ رسید. به دنبال افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ و به نتیجه رسیدن رشد صنایع وابسته و تخریب کشاورزی و تحمیل الگوی مصرف امپریالیستی، واردات ایران طی تنها ۶ سال به حدود ۱۷ میلیون تن به ارزش ۱۰۳۴ میلیارد ریال رسید. به این ترتیب واردات کشور از ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۶ از نظر وزن بیش از ۳۰ برابر و از نظر ارزش بیش از ۱۲۹ برابر شد. این تغییر برای سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ بترتیب حدود ۴ و ۷ برابر می باشد. (جدول شماره (۱)

در سالهای پس از انقلاب نیز در اثر تداوم الگوی مصرف و عدم تغییر ساختار اقتصادی، در شرایط وجود جنگ تحمیلی و عدم کار کرد مناسب سیستم مالیاتی (در اخذ مالیات) و سیستم بانکی (در اعطای وام برای تولید) و هرج و مرج مسلط بر بازرگانی داخلی، قسمت گذاری و بالاخره عدم وجود قوانین اقتصادی رامکنهای دولت از جمله قانون دولتی کردن تجارت خارجی و ناروشنی الگوی توسعه اقتصادی ایران ـ جز در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ ـ واردات ایران افزایش یافته است. در سال ۱۳۶۲ واردات ایران به اوج خودرطی تمام سالهای مورد بررسی رسید و با ۲۱ میلیون تن واردات به ارزش ۱۶۹۲ میلیارد ریال، نسبت به سال ۱۳۵۶ از لحاظ وزنی حدود ۲۲/۵ درصد و از لحاظ ارزشی حدود ۶۴ درصد رشد داشته است (جدول شماره ۱).

*** ۲ـ دومین خصیصه تجارت خارجی ایران مصرفی بودن کالاهای وارداتی است.** طی بیست و یک سال منعکس در جدول شماره ۲ واردات کالاهای سرمایه‌ای در بهترین سالها تنها ۳۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۰) از کالاهای وارداتی را تشکیل می‌داد است. این نسبت در سالهای پس از انقلاب نسبت به دوره ۵۷ ـ ۱۳۵۰ بجز سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ که به ترتیب به ۲۲/۶ درصد و ۲۴ درصد رسید سیر نزولی داشته اند. در تمام سالهای پس از انقلاب سهم واردات کالاهای اساسی از سهم کلیه سالهای دوره باشته (۵۶ـ۱۳۵۰) بجز سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ کمتر بوده است (جدول شماره ۲)

کلیه واردات را کالاهای یا مستقیماً مصرفی و یا مواد اولیه و قطعات صنایع دانست که نقش به پایان رساندن مرحله آخر تولید را برای مصرف ایفا می کنند تشکیل داده است. نکته قابل توجه دیگر آنکه بسیاری از کالاهای وارداتی طبقه بندی ... در کالاهای اساسی صدقاً فاقد خصوصیات تغییر دهنده ساختار اقتصادی بوده و در روند مصرف تولیدی آن‌ها، واردات به ناچار افزایش خواهد یافت. یکی از دلایل اساسی عدم تغییر ساختار اقتصادی علیرغم حدود ۹۲ میلیارد دلار واردات کالا و خدمات (۲) طی سالهای ۶۲ـ۱۳۵۸، ماهیت واردات که عمدتاً مصرفی است می باشد.

در تاکید بیشتر بر وجود این خصیصه در تجارت خارجی ایران، جدول شماره ۳ مورد توجه قرار میگیرد. ماشین آلات و دستگاههای مکانیکی با ۱۵/۲ درصد ارزش واردات در ۱۳۶۲ و ماشین آلات و دستگاههای برقی با ۸/۴ درصد، دو قلم کالاهای سرمایه‌ای وارداتی بوده اند. در این سال وسایل، واردات وسائط نقلیه موتوری (زمینی) ۱۵/۲ درصد از ارزش واردات و برای شاسی، بدنه و قطعات منفصله و سایط نقلیه موتوری (زمینی) ۲۱/۶ درصد و برای لاستیک وسائط نقلیه ۱/۳ درصد و با رویهم برای وسایط نقلیه موتوری زمینی حدود ۳۸ درصد از ارزش واردات اختصاص داده شده است. برای مواد غذائی شامل قند و شکر، روغن خوراکی، چای سیاه، گوشت، لبنیات، تخم مرغ، غلات، میوه و سبزی رویهم ۱۳/۴ درصد از ارزش واردات در سال ۱۳۶۲ صرف شده است.

به دیگر سخن، در طی ۵ سال از ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۲ برای واردات مواد غذائی، حیوانات زنده، نوشابه‌ها و روغن گیاهی وحیوانی، برروهم بیش از ۱۱ میلیاردلار به خارج پرداخته اید همچنین برای واردات آهن و فولاد بیش از ۷ میلیارد دلار، مواد شیمیائی بیش از ۸/۵ میلیارد دلار، کاغذ و مقوا ۱/۳ میلیاردلار، وسایل حمل و نقل نزدیک به ۵ میلیارد دلار و برای ماشین آلات بیش از ۱۴ میلیارد دلار صرف کرده ایم.(۳)

واقعیت تلخ مزبور علاوه بر نشان دادن مصرفی بودن واردات ایران بیانگر وجود همه نوع کالا اعم از کشاورزی و صنعتی در شمار کالاهای وارداتی ایران می باشد. اقتصاد ایران چنان دچار تاجتاری شده است و چنان الگوی مصرفی در جامعه بوجود آمده که حتی در سالهای پس از انقلاب علیرغم تلاش برای رهائی از وابستگی اقتصادی، هنوز چنین تصویر نگران کننده‌ای از واردات ایران وجود دارد. ارقام مذکور نشان دهنده این نکته نیز می هنند، که با تداوم الگوی مصرف و الگوی وارداتی دیگر امکان ارزی قابل توجهی برای سرمایه گذاری های اساسی به منظور تغییر ساختار اقتصادی باقی نمی‌ماند. با هزینه‌های واردات پنج ساله این که ذکر شد در مورد بسیاری از آن کالاها می شد امکانات تولید را در داخل اعم از کشاورزی و صنعت فراهم کرد و به خارج نیاز شد ولی با تداوم اینچنین وارداتی کمتر می توان به تغییرات ساختاری در اقتصاد امید داشت. بعنوان یک اساج از الگوی تجارت خارجی ایران، واردات ایران را که ارقام بسیار کلانی را تشکیل می‌دهد می توان در خدمت مصرف دانست. همچنین با افزایش جمعیت، تداوم الگوی وابسته مصرف و بالاخره ادامه یافتن ساخت اقتصادی بدلیل سلیب مصرفی وارداتی، بارهم بر حجم واردات بناچار افزوده خواهد شد.

✽ الگوی فعلی تجارت خارجی ایران باخصوصیات خود، تغذیه مداوم الگوی مصرف وساختار وابسته صنعتی کشور رابه عهده دارد وضربان هرچه که گسترده ترزده شود، علاوه برتخلیه سریعتر ثروتها وسرمایه های ملی، زمینه مناسب تری برای تداوم خودفراهم می سازد.

جدول شماره ۱ — واردات کالا (ارقام به میلیون ریال)

سال	وزن	ارزش	سال	وزن	ارزش	سال	وزن	ارزش	سال	وزن	ارزش	سال	وزن	ارزش
۱۳۰۹	۰/۳۶	۰/۸۱	۱۳۲۱	۰/۲۸	۲/۴۹	۱۳۳۳	۰/۵۸	۸/۲۰	۱۳۴۵	۲/۱۲	۹۳/۲۹	۱۳۵۷	۱۴/۱۲	۳۲۷/۱۹
۱۳۱۰	۰/۲۶	۰/۷۸	۱۳۲۲	۰/۲۷	۱/۸۹	۱۳۳۴	۰/۸۶	۱۰/۸۹	۱۳۴۶	۲/۷۹	۹۰/۴۵	۱۳۵۸	۱۰/۳۷	۶۸۲/۱۹
۱۳۱۱	۰/۲۱	۰/۵۵	۱۳۲۳	۰/۱۶	۳/۴۵	۱۳۳۵	۱/۰۰	۲۰/۲۰	۱۳۴۷	۳/۷۳	۱۰۶/۷۳	۱۳۵۹	۹/۷۳	۷۷۰/۵۹
۱۳۱۲	۰/۲۱	۰/۹۷	۱۳۲۴	۰/۱۷	۴/۸۷	۱۳۳۶	۲/۸۲	۲۵/۲۳	۱۳۴۸	۲/۸۶	۱۱۵/۵۷	۱۳۶۰	۱۳/۹۵	۹۰۸۱/۹
۱۳۱۳	۰/۹۰	۰/۸۲	۱۳۲۵	۰/۸۱	۵/۲۲	۱۳۳۷	۰/۹۹	۳۳/۱۶	۱۳۴۹	۳/۰۷	۱۲۸/۲۶	۱۳۶۱	۹۱۰/۰	۹۰۰۴/۳
۱۳۱۴	۰/۵۶	۱/۰۳	۱۳۲۶	۰/۶۵	۵/۸۸	۱۳۳۸	۱/۳۰	۴۹/۶۳	۱۳۵۰	۲/۸۳	۱۵۷/۶۶	۱۳۶۲	۳۶/	۱۶۹۲/
۱۳۱۵	۱/۰۷	۰/۵۸	۱۳۲۷	۰/۶۹	۵/۲۸	۱۳۳۹	۱/۹۱	۵۱/۶۶	۱۳۵۱	۵/۱۸	۱۹۳/۶۵			
۱۳۱۶	۰/۶۶	۱/۳۹	۱۳۲۸	۱/۳۳	۶/۳۳	۱۳۴۰	۱/۶۲	۶۰/۱۷	۱۳۵۲	۶/۷۲	۲۰۳/۱۶			
۱۳۱۷	۰/۹۵	۱/۱۹	۱۳۲۹	۰/۶۶	۷/۱	۱۳۴۱	۱/۹۲	۶۹/۹۰	۱۳۵۳	۹/۲۵	۲۲۸/۰۷			
۱۳۱۸	۰/۸۵	۱/۰۷	۱۳۳۰	۰/۷۱	۷/۹	۱۳۴۲	۱/۳۵	۳۹/۲۸	۱۳۵۴	۱۶/۳۳	۸۰۰/۵۲			
۱۳۱۹	۰/۲۱	۱/۰۱	۱۳۳۱	۰/۹۵	۵/۲	۱۳۴۳	۲/۳۱	۵۶/۲۲	۱۳۵۵	۱۶/۸۲	۹۰۱/۷۶			
۱۳۲۰	۰/۲۲	۰/۲۶	۱۳۳۲	۰/۲۶	۵/۷۶	۱۳۴۴	۲/۲۷	۶۶/۵	۱۳۵۶	۱۷/۱۲	۱۰۳۳/۲			

ماخذ: تا سال ۱۳۳۲ از «سیر تحول صادرات بازرگانی خارجی» موسسه اکتر ضیا الدین هفت مجله تحقیقات بازرگانی، نشریه بررسیهای بازرگانی سال پنجم شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۵۶، از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲ از سالنامه آماری کشوری سال ۱۳۳۵ و ۱۳۳۲ و ۱۳۵۲ از نشریه سالنامه آماری کشور سال ۱۳۵۸، از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ از سالنامه آماری کشور سال ۱۳۶۱، سال ۱۳۶۱ بازه های آماری از انتشارات مرکز آمار ایران شماره ۷ تیرماه ۱۳۶۳، سال ۱۳۶۲ از «صحیفه اقتصادی» روزنامه اطلاعات ۶۳/۹/۳۰، سال ۱۳۶۲ از هفته نامه آمار بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۱۳۶۳/۳/۲۶

ب ـ صادرات غیرنفتی:

اگر واردات نشان دهنده میزان وابستگی اقتصاد کشور به خارج است و اقلام وارداتی تا حدودی عدم توان اقتصادی جامعه را در تولید کالاهای مصرفی داخلی نشان می دهد صادرات بیانگر واقعی فقدان امکانات داخلی و کارایی آن در جبران هزینه های ارزی ناشی از واردات می باشد

✽ ۳ـ سومین خصیصه تجارت خارجی ایران، عدم رشد مناسب و حتی کاهش صادرات می باشد.

صادرات ایران که در سال ۱۳۰۹، ۱۸۰ هزارتن بوده است علیرغم افزایش در برخی سالها تا سال ۱۳۳۹ تقریبا درهمان سطح باقی ماند. در دوره ملی کردن صنعت نفت صادرات طی سه سال با رشدی شدید از ۱۹۰ هزارتن در ۱۳۳۹ به ۴۰۰ هزار تن در ۱۳۳۲ رسید. پس از کودتای ۲۸ مرداد تا ۱۳۵۲ صادرات هرچند به کندی ولی افزایش یافت و به ۲/۲ میلیون تن به ارزش ۳۳/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ رسید. با آغاز افزایش درآمد نفت تغییرات شدیدتری در صادرات بوجود آمد و سیرنزولی آن، هرچند با افت و خیز، آغاز شد.

روند کاهش صادرات جز در سال استثنائی ۱۳۵۷ که به ۳/۳ میلیون تن به ارزش ۳۸/۲ میلیارد ریال رسید تا ۱۳۶۲ ادامه داشت و در این سال با افزایشی مجدد به ۲۲۰ هزارتن به ارزش ۳۰/۹ میلیارد ریال رسید (جدول شماره ۴)

طی پنجاه و سه سال از ۱۳۰۹ الی ۱۳۶۲، صادرات ایران از لحاظ مقدار تنها ۲۲ درصد رشد داشته و از لحاظ ارزش ۶۷ برابر شده است. در حالیکه واردات در همین سالها از نظر وزن ۵۸ برابر و از لحاظ ارزش ۲۰۸۸ برابر شده است. (جدول ۱ و ۴)

در پنجسال منتهی به سال ۱۳۶۲، بابت صادرات غیر نفتی روبهم فقط ۲/۴ میلیارد دلار درآمد ارزی کسب کرده ایم و در مقابل با ۹۲ میلیارد دلار هزینه ارزی واردات کالا در همین پنج سال رقمی نزدیک به ۹۰ میلیارد دلار از ثروت ملی زوال پذیر خودرابابت واردات پرداخته ایم. به دیگر سخن تغییرات بوجود آمده در اقتصاد و الگوی مصرف جامعه، متناسب با نیاز بازارهای امپریالیستی و براثر سیاستهای اقتصادی رژیم پهلوی، تقریبا پیوستگی سطحی تولید و مصرف داخلی و واردات و صادرات را از هم گسسته و بین تولید خارجی، مصرف داخلی و صادرات نفت خام و واردات در رابطه با نیاز امپریالیسم پیوستگی ایجاد کرده است.

۴ـ چهارمین خصیصه تجارت خارجی ایران صادرات مواد اولیه است.

مهمترین اقلام صادرات غیر نفتی ایران را کالاهای سنتی و کشاورزی و کلوخه های کانی فلزی تشکیل می دهند. بطور کلی جز فرش که کالای ساخته شده حاصل از صنایع دستی است، بقیه کالاهای صادراتی سنتی و کشاورزی و... را مواد اولیه تشکیل می دهند.

در سال ۱۳۵۱ از ۴۳۹/۸ میلیون دلار صادرات ایران ۳۱۸ میلیون دلار و یا ۷۲/۳ درصد را کالاهای سنتی و کشاورزی (۹۰/۶ میلیون دلار فرش)، ۱۹/۲ میلیون دلار و یا ۴/۹ درصد را کلوخه های کانی و ۱۰۲/۶ میلیون و یا ۲۳/۳ درصد را کالاهای صنعتی تشکیل می داده است. به ترتیب همین ارقام (از لحاظ درصد) برای سال ۱۳۵۷ حدود ۶۶/۹ درصد ۲ درصد و ۳۰ درصد بوده است.

در سالهای پس از انقلاب با کاهش سهم صادرات کالاهای صنعتی، درصد صادرات مواد اولیه بیش از گذشته شده است. بطوری که در سال ۱۳۶۲ از صادرات ۳۵۶/۶ میلیون دلاری حدود ۸۹ درصد کالاهای سنتی و کشاورزی، ۳/۵ درصد کلوخه های کانی فلزی و تنها ۷/۲ درصد را کالاهای صنعتی تشکیل داده است. (جدول شماره ۵)

اگر صادرات نفت را هم در کل صادرات به حساب آوریم، با ارقام جدول شماره ۶ روروز می شویم که حداقل نسبت صادرات نفت به کل صادرات ۷۹/۳ درصد در سال ۱۳۵۷ و حداکثر آن در سال ۱۳۴۹ با ۹۵/۲ درصد بوده است. در پنج سال منتهی به ۱۳۶۲ بجز همین سال متناسبا بر سهم صادرات نفت خام افزوده شد و به حداکثر خود در این سالها با ۹۳/۵ درصد در ۱۳۶۱ رسیده است.

به این ترتیب بدون درنظر گرفتن صادرات نفت بخش غالب صادرات غیر نفتی، و با درنظر گرفتن صادرات نفت و حذف صادرات نفت از کل صادرات کشور، حدود ۹۶/۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۶۲) از کل صادرات کالای کشور را صادرات مواد اولیه کشاورزی و معدنی تشکیل داده است.

صادرات ایران نشان دهنده آنچنان ساختاری از اقتصاد داخلی است که جزئی از تقسیم بین المللی کار امپریالیستی

جدول شماره ۲ـ اقلام عمده واردات کالا (ارقام برحسب درصد ارزش)

نوع کالا	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آهن و فولاد	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۵/۷	۱۷/۲	۱۵/۲	۱۳/۵	۱۰/۰	۱۲/۳	۱۲/۶	۹/۵	۱۰/۵	۱۳/۱	۱۰/۶
ماشین آلات و دستگاههای مکانیکی	۲۱/۹	۲۲/۲	۲۰/۸	۱۶/۲	۲۰/۹	۲۲/۸	۲۲/۶	۲۹/۲	۱۶/۰	۱۳/۶	۱۲/۵	۱۲/۹	۱۵/۲
وسائط نقلیه موتوری (زمینی)	۱/۹	۱/۵	۶/۹	۶/۶	۶/۶	۵/۰	۶/۳	۳/۵	۰/۸	۰/۰	۰/۸	۶/۳	۱/۶
[illegible]	۴/۹	۴/۵	۵/۰	۴/۲	۳/۸	۳/۲	۳/۲	۴/۰	۲/۵	۴/۱	۴/۰	۳/۸	۲۱/۶
لاستیک و وسائط نقلیه	۰/۸	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۰/۳	۱/۲	۰/۶	۰/۶	۱/۶	۱/۸	۲/۹	۱/۰	۱/۳
ماشین آلات برقی	۱۲/۹	۱۰/۳	۷/۹	۵/۵	۶/۱	۹/۶	۸/۵	۹/۲	۸/۰	۷/۸	۷/۰	۶/۹	۸/۹
مواد شیمیایی و دارویی	۶/۶	۷/۲	۹/۲	۳/۸	۳/۰	۳/۹	۳/۲	۳/۷	۵/۱	۵/۸	۶/۰		۵/۷
کاغذ و مقوا	۲/۳	۲/۲	۲/۹	۴/۳	۶/۳	۱/۵	۱/۶	۱/۳	۱/۸	۳/۷	۲/۷	۱/۹	۱/۷
قند و شکر	۰/۵	۱/۰	۲/۰	۲/۱	۲/۶	۱/۹	۱/۹	۰/۵	۲/۹	۱/۳	۰/۲	۲/۳	۰/۵
مواد چرب، چربی روغن و مشتقات آن	۲/۲	۲/۳	۳/۹	۳/۹	۲/۵	۱/۲	۱/۳	۱/۵	۲/۸	۱/۱	۲/۳	۱/۷	۱/۹
عصاره های دباغی و رنگری انواع بنگاه وری	۱/۳	۱/۹	۱/۲	۱/۰	۰/۶	۰/۶	۰/۶	۰/۶	۰/۹	۰/۸	۰/۹	۰/۶	۰/۷
شیشه و شیشه آلات	۰/۹	۰/۹	۰/۲	۰/۳	۱/۱	۰/۵	۰/۸	۰/۷	۰/۷	۰/۵	۰/۳	۰/۹	۰/۹
پای سیم	۰/۶	۰/۶	۰/۲	۰/۹	۰/۲	۰/۳	۰/۳	۰/۹	۰/۷	۰/۹	۰/۳	۰/۳	۰/۳
گوشت و فرآورده های آن	۰/۲	۰/۲	۰/۵	۰/۶	۰/۹	۰/۹	۱/۳	۱/۵	۱/۵	۱/۸	۲/۹	۹/۹	۲/۸
لبنیات و تخم مرغ	۰/۷	۰/۸	۰/۹	۹/۱	۰/۸	۰/۹	۱/۲	۱/۵	۲/۷	۳/۳	۴/۵	۳/۰	۹/۳
غلات و فرآورده های آن	۵/۰	۳/۶	۲/۰	۸/۲	۲/۸	۲/۵	۲/۹	۲/۸	۹/۶	۵/۱	۶/۲	۵/۱	۵/۶
میوه سبزی و فرآورده های آن	۰/۹	۰/۵	۰/۶	۱/۲	۱/۱	۱/۹	۰/۶	۰/۹	۰/۲	۰	۰/۹	۰/۹	۰/۹
[illegible]	۰/۵	۰/۲	۲/۰	۱/۳	۱/۰	۱/۰	۱/۷	۱/۹	۰/۳	۱/۰	۰/۳	۰/۲	۰/۲
مواد پلاستیکی، ملزومات، [illegible]	۰/۹	۱/۲	۲/۱	۱/۸	۹/۵	۱/۲	۲/۱	۲/۹	۲/۷	۲/۱	۲/۵	۲/۷	۰/۳
سایر (۱)	۲۹/۳	۲۵/۰	۲۶/۷	۲۹/۹	۲۲/۲	۲۶/۹	۲۵/۹	۲۶/۰	۳۰/۹	۳۳/۳	۳۴/۸	۲۹/۹	۱۴/۷

(۱) شامل واردات کود شیمیایی [illegible] باشد که از ۱۳۵۹ [illegible] ۳ درصد ارزش واردات بوده است.

ماخذ: تا سال ۱۳۵۶ از سالنامه آماری کشور سال ۱۳۵۸ صفحات ۱۹۶ و ۱۹۷ و برای طبقه سالهای ۱۳۶۱ از همان نشریه سال ۱۳۶۱ صفحه ۷۱۶ و برای سالهای ۶۱ و ۶۲ از سالنامه آماری کشور سال ۱۳۶۳ صفحه ۶۷ اخذ شده است.

جدول شماره ۴ـ صادرات کالا بدون مواد نفتی (ارقام به میلیون تن و میلیارد ریال)

سال	وزن	ارزش	سال	وزن	ارزش	سال	وزن	ارزش	سال	وزن	ارزش	سال	وزن	ارزش
۱۳۰۹	۰/۱۸	۰/۲۶	۱۳۲۹	۰/۰۵	۰/۵۷	۱۳۳۲	۰/۹۹	۱۰/۲۹	۱۳۳۵	۰/۸۹	۱۱/۸۲	۱۳۵۷	۲/۲۲	۳۸/۱۹
۱۳۰۰	۰/۲۲	۰/۱۵	۱۳۲۰	۰/۰۶	۰/۲۹	۱۳۳۳	۰/۵۱	۵/۰۳	۱۳۳۶	۰/۷۷	۱۳/۵۳	۱۳۵۸	۰/۵۸	۵۷/۰۱
۱۳۱۱	۰/۱۶	۰/۵۳	۱۳۲۲	۰/۲۹	۰/۲۹	۱۳۳۵	۰/۲۶	۷/۱۳	۱۳۳۷	۰/۱۹	۱۶/۲۲	۱۳۵۹	۰/۲۳	۲۵/۹۵
۱۳۱۲	۰/۱۵	۰/۲۸	۱۳۲۳	۰/۱۲	۰/۲۱	۱۳۳۶	۰/۹۲	۸/۲۵	۱۳۳۸	۰/۸۹	۹۸/۵۳	۱۳۶۰	۰/۱۵	۴۷/۰۳
۱۳۱۳	۰/۱۲	۰/۵۳	۱۳۲۵	۰/۲۱	۲/۵۹	۱۳۳۷	۰/۹۶	۷/۹۲	۱۳۳۹	۱/۲۲	۲۱/۱۹	۱۳۶۱	۰/۱۲	۲۲/۸۸
۱۳۱۴	۰/۲۵	۰/۶۶	۱۳۲۶	۰/۱۸	۴/۳۷	۱۳۳۸	۰/۳۹	۷/۷۰	۱۳۵۰	۲/۱۵	۲۶/۳۷	۱۳۶۲	۰/۲۲	۲۰/۵۶
۱۳۱۵	۰/۲۰	۰/۲۰	۱۳۲۷	۰/۱۴	۱/۸۲	۱۳۳۹	۰/۲۵	۸/۳۷	۱۳۵۱	۲/۲۵	۳۴/۵۶			
۱۳۱۶	۰/۱۳	۰/۱۸	۱۳۲۸	۰/۱۲	۱/۲۷	۱۳۴۰	۰/۵۵	۹/۵۸	۱۳۵۲	۱/۸۹	۹۲/۸۹			
۱۳۱۷	۰/۱۲	۰/۳۷	۱۳۲۹	۰/۱۹	۲/۵۶	۱۳۴۱	۰/۵۹	۸/۶۰	۱۳۵۳	۱/۵۳	۳۹/۴۵			
۱۳۱۸	۰/۱۷	۰/۸۲	۱۳۳۰	۰/۲۹	۹/۳۹	۱۳۴۲	۰/۵۹	۹/۶۲	۱۳۵۴	۱/۱۹	۲۰/۴۲			
۱۳۱۹	۰/۲۴	۰/۹۲	۱۳۳۱	۰/۴۵	۵/۸۳	۱۳۴۳	۰/۷۶	۱۱/۴۸	۱۳۵۵	۰/۷۹	۳۸/۰۰			
۱۳۲۰	۰/۷	۰/۳	۱۳۳۲	۰/۹	۸/۹۲	۱۳۴۴	۰/۸۱	۱۳/۵۶	۱۳۵۶	۱/۲۴	۹۴/۰۵			

ملاحظه تا سال ۱۳۳۶ از «سیر تحول صادرات بازرگانی خارجی» نوشته و گرد حبیب تأمین هیئت مجله تحقیقات بازرگانی، منتشر به مدرسه عالی بازرگانی سال پنجم شماره ۱و۲، بهار و تابستان ۱۳۵۶؛ از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۲ از سالنامه آماری کشوری سال ۱۳۴۵ و از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ از سالنامه آماری کشور سال ۱۳۵۳؛ از ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۸ از سالنامه آماری کشور سال ۱۳۵۸؛ سال از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ از سالنامه آماری کشور سال ۱۳۶۱؛ سال ۱۳۶۱ و ارقام مربوط بوزن سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ از نامه های آمار شماره ۳ تیرماه ۱۳۶۲؛ سال ۱۳۶۲ از خلاصه سالانه بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۱۳۶۲/۳/۲۶

*** باتداوم الگوی مصرف الگوی وارداتی، دیگرامکان ارزی قابل توجهی برای سرمایه گذاری های اساسی به منظور تغییر ساختار اقتصادی باقی نمی ماند.**

*** طی ۵۳ سال از ۱۳۰۹ تا ۱۳۶۲، صادرات ایران ازلحاظ مقدار تنها۲۲ درصدرشد داشته وازلحاظ ارزش ۶۷ برابر شده، درحالیکه واردات درهمین سالها ازنظر وزن ۵۸ برابر وازلحاظ ارزش ۲۰۸۸ برابر شده است.**

بحساب می‌آید. رشد سرمایه داری وابسته در ایران که از سال ۱۲۹۹ با کودتای انگلیسی رضاخان آغاز شد و با کودتای آمریکائی ۱۳۳۲ تشدید و با افزایش درآمد نفت از ۱۳۵۱ تعمیق شد، آنچنان اقتصادی را بوجود آورد که قادر به تأمین نیازهای داخلی نیست و برای تأمین این نیازها از خارج، تنها امکان فروش مواد اولیه می‌باشد.

پ ـ تراز بازرگانی ایران

ث. پنجمین خصیصه تجارت خارجی ایران تراز منفی دائمی آن است.

در مقایسه ارزش واردات با ارزش صادرات غیر نفتی، عدم توازنی رو به افزایش در طی زمان ملاحظه می‌شود. در سال ۱۳۰۹ تجارت خارجی ایران حدود ۳۵۰ میلیون ریال تراز منفی داشت و صادرات غیر نفتی ۳۶/۲ درصد کل مبادلات تجاری ایران را تشکیل می‌داد. این ارقام در سال بعد به ترتیب به ۳۰ میلیون ریال و ۴۹ درصد بالغ شد.

قبل از طی کردن صنعت نفت، تنها در سال ۱۳۲۰ تراز بازرگانی خارجی مثبت و ۴۰ میلیون ریال مازاد صادرات بر واردات بوده است. از این سال تا قبل از ۱۳۳۱ تراز بازرگانی خارجی ایران همین منفی بودن افزایش مقدار می‌دهد و اوج آن سال ۱۳۲۸ با ۷/۵ میلیارد ریال کسری است و صادرات تنها ۱۶/۱ درصد مبادلات بوده است. (جدول شماره ۷)

در سه سال ۱۳۳۱ الی ۱۳۳۳ تراز بازرگانی ایران مثبت و اوج آن سال ۱۳۳۲ می‌باشد که ۲/۶۶ میلیارد ریال مازاد و صادرات ۵۹/۲ درصد مبادلات بازرگانی بوده است. تا این دوره میتوان ضمن وقوع تغییرات منفی در تجارت خارجی، اقتصادی را ملاحظه کرد که هنوز بازگشت به شرایط عادی غیر وابسته آن غیر ممکن نشده است و موفقیت سیاستهای اقتصادی اتخاذ شده در دوره ملی کردن صنعت نفت مبین این واقعیت است.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و عقد قرارداد جدید نفت با کنسرسیوم نفت ایران و آغاز مجدد صادرات نفت، سیاستهای اقتصادی جدیدی که در برنامه‌های عمرانی ایران منعکس است (ترکیب درآمدها و هزینه‌های بودجه سالیانه نیز بیانگر آنست) اتخاذ می‌شود و با کمک گارشناسان خارجی و درآمد نفت اقتصادی دیگری کاملا متفاوت از گذشته آن شکل می‌گیرد.

تراز بازرگانی خارجی ایران ضمن منفی بودن در کلیه سالهای پس از ۱۳۳۲ بتدریج ارقام کلانی کسری و شکاف عظیمی را بین واردات و صادرات غیر نفتی نشان می‌دهد. در سال ۱۳۳۲ تنها ۲/۹ میلیارد ریال کسری تراز بازرگانی وجود داشته ولی در سال ۱۳۴۲ به ده برابر و در سال ۱۳۵۰ به صد برابر و در سال ۱۳۵۷ به ۳۴۱ برابر و در سال ۱۳۶۲ به ۵۷۲/۸ برابر می‌رسد.

درصد صادرات غیر نفتی ایران از ۲۲/۲ درصد در ۱۳۳۲ بطور برگشت ناپذیری دچار کاهش شده و به ۲/۱ درصد در سال ۱۳۵۶ و ۱/۸ درصد در سال ۱۳۶۲ می‌رسد (جدول شماره ۷)

تداوم کسری تراز بازرگانی خارجی در سالهای پس از انقلاب علاوه بر عدم برخورد مناسب با تجارت خارجی ایران نشانگر وقوع آنچنان تغییراتی در اقتصاد ایران از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ می‌باشد که با ساختاری شدنشان دیگر نمی‌توان تنها با سیاستهای مربوط به تجارت خارجی مشکل کسری بازرگانی خارجی را حل کرد.

با توجه به حدود صد میلیارد دلار (۴) پرداختهای جاری بابت واردات کالا و خدمات در پنج سال ۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۳ و ۹۲ میلیارد دلار پرداخت شده به خارج به همین دلیل در پنج سال منتهی به ۱۳۶۲ که قبلا ذکر آن رفت، رویهم رفته عظیمی حدود ۱۹۲ میلیارد دلار از کشور خارج شده است. اگر ارقام مربوط به سایر پرداختهای کشور شامل بهره وامهای خارجی در بالا و سود سرمایه‌های خارجی را که در سالهای قبل از انقلاب ارقام قابل توجهی را تشکیل می‌داد (در پنج سال ۵۷ ـ ۱۳۵۳ حدود ۴ میلیارد دلار) و سرمایه گذاری‌های ایران در خارج و وامهای پرداختی ایران به کشورهای خارجی در سالهای قبل از انقلاب را که ارقام کلانی بحساب می‌آید (در پنج سال مورد نظر حدود ۸/۶ میلیارد دلار) به پرداخت‌های جاری کشور بابت واردات کالا و خدمات اضافه کنیم، رقمی حدود ۲۰۵ میلیارد دلار می‌رسیم که از محل صادرات تک محصولی ایران (نفت خام) جبران شده است.

از نظر تأکید بیشتر ماهیت دوگانه واردات و صادرات ایران، مقایسه وزنی این دو را می‌توان در نظر گرفت. در سال ۱۳۵۶ در مقایسه با حدود ۱۷ میلیون تن واردات کالا

جدول شماره ۵ـ ارزش صادرات گمرکی کشور (بدون نفت و گاز) (به میلیون دلار)

	۱۳۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲
کالاهای سنتی و کشاورزی	۳۱۸	۵۰۵/۱	۳۸۵/۶	۴۱۳/۷	۳۷۷/۱	۳۷۸/۲	۳۶۸/۹	۷۲۹/۸	۶۰۱/۷	۳۲۱/۳	۲۵۵/۳	۳۱۸/۱
فرش	۹۰/۶	۱۰۸/۰	۱۹۹/۱	۱۰۵/۶	۹۹/۵	۱۱۴/۵	۸۳/۹	۲۰۸/۹	۲۷۵/۱	۱۹۹/۴	۶۷/۰	۸۸/۹
پسته (مغز)	۷۸/۹	۱۵۰/۱	۸۵/۳	۱۳۶/۲	۱۲۲/۲	۹۴/۶	۱۰۳/۰	۷۷/۰	۵/۳	۰	۰	۰
میوه های تازه و خشک	۵۷/۴	۹۲/۶	۷۱/۸	۷۲/۷	۷۰/۳	۹۰/۴	۷۴/۹	۱۱۴/۷	۶۱/۹	۵۸/۹	۷۸/۸	۱۲۵/۵
انواع پوست و چرم	۲۸/۲	۲۸/۸	۲۷/۸	۲۸/۳	۲۱/۹	۳۹/۹	۳۹/۲	۴۹/۳	۴۹/۵	۵۳/۴	۴۰/۶	۳۲/۶
خاویار	۸/۳	۸/۰	۷/۲	۶/۲	۰/۵	۱/۳	۷/۰	۱۱/۰	۱۵/۳	۱۵/۳	۱۸/۹	۱۹/۰
برنج	۶/۲	۸/۹	۸/۸	۱۱/۵	۱۰/۵	۱۰/۶	۱۱/۱	۱۵/۷	۲۴/۱	۲۰/۳	۱۷/۶	۱۳/۶
کتیرا	۵/۳	۹/۰	۶/۵	۵/۴	۴/۴	۳/۹	۲/۸	۰/۴	۰/۴	۱/۸	۲/۳	۲/۸
زیره	۲/۰	۴/۱	۶/۲	۲/۲	۵/۷	۶/۲	۴/۳	۷/۶	۱/۶	۰/۴	۴/۴	۳/۶
سایر	۳۹/۱	۹۳/۶	۵۳/۷	۴۰/۴	۴۸/۲	۴۰/۳	۴۸/۸	۴۱/۰	۱۸/۵	۳۳/۰	۴۵/۸	۳۰/۱
گلوله های گلی	۱۹/۲	۲۳/۹	۳۴/۸	۳۹/۸	۱۰/۲	۷/۱	۱۰/۹	۲۰/۶	۱۹/۵	۵/۰	۷/۹	۱۳/۵
کالاهای صنعتی	۱۰۲/۶	۱۰۵/۷	۱۶۳/۱	۱۴۵/۷	۱۵۲/۶	۱۵۳/۷	۱۶۳/۰	۶۶/۴	۴۴/۰	۱۴/۴	۴۱/۳	۴۶/۰
پودر لباسشوئی و صابون	۱۵/۶	۵/۸	۱۲/۱	۲۲/۱	۱۹/۳	۱۶/۱	۹/۱	۰/۹	۰	۰	۰/۴	۰/۱
کفش	۱۴/۸	۱۶/۰	۴۷/۰	۱۸/۵	۴۰/۶	۱۴/۹	۹۴/۵	۳/۸	۰/۳	۰	۰/۳	۰/۱
نخی	۱۳/۰	۱۱/۰	۷/۴	۹/۶	۵/۷	۸/۱	۳/۸	۳/۶	۴/۸	۰/۵	۱/۷	۴/۸
سیگارت و انواع شیرینی	۹/۸	۳/۰	۳/۴	۵/۰	۱۱/۳	۱۱/۳	۷/۷	۴/۵	۴/۷	۰/۶	-	۱/۳
ملبوس اعم از نخی و پشمی و انواع پارچه	۱۰/۰	۱۸/۵	۲۲/۱	۴۸/۲	۴۰/۷	۴۳/۹	۲۰/۱	۱۱/۷	۱۰/۵	۸/۹	۹/۶	۱۰/۰
سیمان، سنگ، مصالح ساختمانی و مواد معدنی	۵/۵	۷/۶	۳/۹	۱/۸	۴/۴	۱/۱	۰/۷	۰/۲	۰/۱	۰	۳/۴	۴/۱
وسائط نقلیه	۴/۰	۱۱/۲	۲۱/۴	۴۸/۲	۴۴/۲	۹/۹	۹/۵	۴/۵	۰/۴	۰/۴	۱/۵	۱/۴
سایر	۱۳/۹	۲۴/۱	۴۸/۹	۳۹/۴	۳۱/۴	۶۱/۴	۶۷/۶	۴۰/۴	۷/۴	۴/۹	۴/۶	۷/۳
جمع کل	۴۳۹/۸	۶۳۴/۷	۵۸۱/۵	۵۶۲/۴	۵۳۹/۹	۵۳۳/۴	۵۴۷/۸	۸۱۱/۸	۶۴۵/۲	۳۳۹/۵	۲۸۳/۷	۳۶۵/۶

مأخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۶۱ بترتیب صفحات ۲۴۱ـ۲۴۰ و ۱۹۲ و سال ۱۳۶۳ از همین نشریه گزارش سال ۱۳۶۲ صفحه ۲۱۰.

✱ واردات کشور از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۶ ازنظر وزن بیش از ۳۰ برابر وازنظر ارزش بیش از ۱۲۹ برابر شد.

✱ مصرفی بودن کالاهای وارداتی، ازمهمترین ویژگی های تجارت خارجی ایران است، طی ۲۱ سال اخیروارادات کالاهای سرمایه‌ای - دربهترین سالها - تنها ۳۱ درصد ازکالاهای وارداتی راتشکیل می داده است.

✱ درطی ۵ سال از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ تنها برای واردات مواد غذایی، حیوانات زنده، نوشابه هاوروغن گیاهی و حیوانی، بیش از ۱۱ میلیارد دلار به خارج پرداخته‌ایم.

جدول شماره ۶ - صادرات نفت به کل صادرات کالاها و خدمات (۱)

سال	کل صادرات	صادرات نفت	درصد صادرات نفت به کل صادرات
۱۳۳۸	۲۵۱/۱	۲۲۹/۸	۸۹/۵
۱۳۳۹	۲۷۶/۹	۲۵۳	۹۱/۲
۱۳۴۰	۳۱۱/۲	۲۸۲/۷	۹۱/۲
۱۳۴۱	۳۵۱	۳۲۷	۹۳/۲
۱۳۴۰	۴۸۵/۵	۴۴۷/۵	۹۳/۸
۱۳۴۳	۴۳۹/۱	۴۰۷/۶	۹۳/۹
۱۳۴۴	۵۰۵/۵	۴۷۳/۲	۹۳/۶
۱۳۴۵	۵۱۸	۵۳۲/۱	۹۲/۹
۱۳۴۶	۶۶۰	۶۲۷/۵	۹۵/۱
۱۳۴۷	۷۵۹/۱	۷۱۵/۳	۹۵/۸
۱۳۴۸	۸۹۷	۸۵۱/۵	۹۴/۵
۱۳۴۹	۱۰۰۵/۳	۹۵۹/۴	۹۵/۲
۱۳۵۰	۱۱۷۸/۶	۱۱۱۷/۶	۹۴/۸
۱۳۵۱	۱۳۲۷/۵	۱۲۶۶/۸	۹۴/۲
۱۳۵۲	۱۵۰۱/۴	۱۴۲۶/۴	۹۵
۱۳۵۳	۱۶۷۸	۱۶۰۴/۴	۹۵
۱۳۵۴	۱۳۲۷/۳	۱۲۲۰/۹	۹۴/۵
۱۳۵۵	۱۴۷۸/۶	۱۳۹۶/۲	۹۴/۵
۱۳۵۶	۱۳۹۵/۹	۱۳۷۱/۲	۹۴/۵
۱۳۵۷	۷۲/۳۰۳	۱۸/۱	۷۵/۳
۱۳۵۸	۲۲/۷	۱۹/۴	۸۵/۵
۱۳۵۹	۱۳/۹	۹۲/۹	۸۵/۶
۱۳۶۰	۱۹/۳	۱۲/۵	۸۷/۴
۱۳۶۱	۲۱/۵	۲۰/۱	۹۳/۵
۱۳۶۲	۲۲/۱	۲۰/۵	۹۲/۸

(۱) - ارقام مربوط به سالهای ۵۷ به بعد به میلیارد دلار و به قیمت جاری می باشد (صادرات گاز نیز به حساب آمده است)
مأخذ: ارقام مخارج بودجه نفت و صادرات و صادرات نفت به سال ۱۳۵۷ از نشریه ۵ حسابهای ملی ایران، ۱۳۴۸-۵۶، بانک مرکزی ایران سال ۱۳۶۰ صفحات ۱۹۲ و ۱۹۳، سالهای بعد از گزارش اقتصادی بانک مرکزی ایران سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ به ترتیب صفحات ۲۱۲ و ۲۰۸

✱ تداوم کسری تراز بازرگانی خارجی درسالهای پس ازانقلاب علاوه برعدم برخورد مناسب باتجارت خارجی ایران، نشانگر وقوع آنچنان تغییراتی دراقتصاد ایران از ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۷ می باشد، که باساختاری شدنشان، دیگر نمی توان تنها باسیاستهای مربوط به تجارت خارجی، مشکل کسری بازرگانی خارجی راحل کرد.

✱ دراثر سیاستهای غرب و وابسته‌ای که دررژیم گذشته اتخاذ شد، اقتصاد ایران جزئی ازپیکر اقتصاد جهانی امپریالیستی وتقسیم کارجهانی شده است وتا تغییر ساختار اقتصادی والگوی مصرف، آگاهانه وباغیرآگاهانه، داوطلبانه یابه اجبار، همان مسیر تعیین شده راطی خواهیم کرد.

حدود ۲۹۰ میلیون (۵) تن نفت خام صادر کرده‌ایم. (صرفنظر از اینکه کل درآمد نفتی صرف واردات کالا شده است) و در سال ۱۳۶۲ با واردات حدود ۲۱ میلیون تن کالا حدود ۱۱۶ میلیون تن نفت خام(۶) صادر کرده‌ایم (بهبود نسبی رابطه در اثر تغییر در ترکیب واردات کالا و بویژه افزایش قیمت نفت در سالهای پس از انقلاب حاصل شده است). یعنی در سال ۱۳۶۲ که وضع بهتر شد در برابر هریک کیلو کالای وارداتی (تقریبا) حدود ۶ کیلو نفت خام صادر کرده‌ایم.

علاوه بر موضوع دوگانگی قیمت گذاری کالاهای وارداتی وصادراتی ایران و ارزان فروشی و گران خریدن ایران که از خصوصیات بازار جهانی امپریالیستی است و ما تا صادر کننده مواد خام هستیم ناگزیر از تبعیت از این بازار می‌باشیم. تاکی می‌توان واردات را باچنین حجمی ازتخلیه منابع ملی پوشاند؟ اگر به عامل رشد جمعیت و رو به پایان نهادن منابع نفتی (پس از اوج گیری فخایر نفتی بدلیل استخراج و عدم اکتشاف منابع جدید، شیب منحنی فخایر افاز شده است) و اثر تراکمی فزاینده واردات هر سال در افزایش واردات سال آینده (ناشی از ماهیت مصرفی واردات) توجه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که با هرشتابی در تغییر ساختار اقتصادی اقدام کنیم و الگوی وابسته تجارت خارجی را تغییر دهیم، بازهم دچار تأخیر هستیم.

تجارت خارجی با چنین خصوصیتی نه تنها عاملی برای توسعه نیست، بلکه برعکس با انتقال مازادهای اقتصادی و انرژی زوال پذیر نفت (در شرایط مناسب اقتصادی نفت مهمترین عامل توسعه محسوب می‌شود) به خارج، امکان هرگونه توسعه اقتصادی از طریق تراکم سرمایه در داخل منتفی می‌شود.

ت - طرفهای عمده تجارت خارجی ایران:

✱ ۶- ششمین خصیصه تجارت خارجی ایران تمرکز بر کشورهائی معین است. قابل ازپیروزی انقلاب، ده کشور عمده صادرکننده کالا به ایران (ازحدود ۱۳۰ کشور طرف مبادله) به ترتیب اهمیت کشورهای: آلمان غربی، ژاپن، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، هلند، سوئیس و بلژیک بوده‌اند. پس از انقلاب با قطع رابطه اقتصادی و مبادله تجاری با آمریکا (از سال ۱۳۵۹) و کاهش مبادلات تجاری با برخی کشورها از جمله فرانسه، سوئیس، هلند و بالعکس افزایش مبادله با کشورهای ترکیه، کره جنوبی، سوئد، برزیل، آرژانتین و بلژیک تغییرات در ده کشور عمده و سهم هر کدام بوجود آمده است.

دو کشور آلمان غربی و ژاپن از سال ۱۳۵۰ الی ۱۳۶۲ به ترتیب اولین و دومین طرف تجاری ایران بوده‌اند. در سال ۱۳۵۱ اولی ۱۸/۴ درصد و دومی ۱۴ درصد و در سال ۱۳۵۶ به ترتیب ۱۹/۴ و ۱۵/۷ درصد و در سال ۱۳۶۲ به ترتیب ۱۹درصد و۱۶/۷ درصد از واردات ایران رادراختیار داشته‌اند سهم این دو کشور بر رویهم در سه سال مورد نظر بترتیب ۳۲/۴ درصد، ۳۵/۱ درصد و ۳۵/۷ درصد بوده است.

آمریکا تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۰ سومین طرف عمده فروشنده کالا به ایران بوده است (۱۶/۶ درصد در ۱۳۵۱ و ۱۵/۶ درصد در ۱۳۵۶). به این ترتیب سه کشور آلمان غربی، ژاپن و آمریکا ۵۱/۳ درصد واردات ایران را در اختیار داشته‌اند حال اگر صادرات انگلستان (۶/۹ درصد)، ایتالیا (۵/۶ درصد)، فرانسه (۴/۶ درصد)، هلند (۳/۳ درصد)، سوئیس (۳/۱ درصد)، بلژیک (۲/۴ درصد) و شوروی (۱/۹ درصد) را با صادرات سه کشور فوق به ایران در سال ۱۳۵۶ رویهم در نظر بگیریم حدود ۷۹ درصد واردات ایران را در این سال شامل می‌شود.

در۱۳۶۲ علاوه بردوکشور آلمان غربی و ژاپن (با ۳۵/۷ درصد سهم)، کشورهای انگلستان (۶ درصد)، ترکیه (۴/۷۱ درصد)، ایتالیا (۴/۶ درصد)، کره جنوبی (۲/۸ درصد)، سوئد (۲/۷ درصد)، برزیل (۲/۳ درصد)، آرژانتین (۲/۳ درصد) و بلژیک (۲/۳ درصد) بر رویهم ده کشور عمده صادر کننده کالا به ایران بوده‌اند که ۶۳/۴ درصد واردات ایران از این کشورها بوده است.(۷)

چنین تراکمی خطر تحت تاثیر قرار گرفتن اقتصاد ایران و در مواقع حساس ضربه پذیری آن را مطرح می‌سازد در عین حال که می‌تواند تداوم اقتصاد وابسته را موجب شود.

به این ترتیب گرچه تغییرات مثبتی در سالهای پس از انقلاب در طرفهای عمده تجاری ایران حاصل آمده است. ولی هنوز دو کشور عمده صادر کننده کالا همان دو کشور قبلی و ده کشور عمده سهمی قابل ملاحظه در تجارت خارجی ایران دارند.

در بیان علت چنین تراکمی از نظر طرفهای عمده فروشنده کالا به ایران، ساختار اقتصادی ایران که در ترکیب کالاهای وارداتی و صادراتی خود را می‌نمایاند مطرح می‌باشد. اقتصاد ما را بر این پایه ساخته‌اند که تنها فروشنده نفت خام با اقلامی فعلاً حداقل صد میلیون تن در سال باشیم و این مقدار نفت خام را کشورهای توسعه یافته برای گردانش صنایع، کشاورزی، حمل و نقل، و تولید انرژی برق که کل حرکت اقتصادی نوین بر آن قرار دارد، خریداری می‌کنند. اقتصاد ما دچار آنچنان تغییراتی شده که نیاز به واردات بیست میلیون تنی در سال دارد و الگوی مصرف ما، خصوصیت صنایع، کشاورزی و وسایل ارتباطی ما به گونه‌ای شکل گرفته که تنها تولیدات کشورهای معینی را خریداریم که همان کشورهای خریدار نفت خام ایران می‌باشند. به دیگر سخن اقتصاد ایران جزئی از پیکر اقتصاد جهانی امپریالیستی با تقسیم کار تحمیلی آن شد، و تا عدم تغییر ساختار اقتصادی و الگوی مصرف، آگاهانه و یا غیر آگاهانه، داوطلبانه یا به اجبار، همان مسیر تعیین شده راطی خواهیم کرد و تغییرات جزئی حرکت اصلی را تغییر نداده و نخواهد داد.

۷- هفتمین خصیصه تجارت خارجی ایران منفی بودن تراز بازرگانی با هر کدام از کشورهای طرف مبادله است.

با توجه به اینکه تراز بازرگانی ایران در قسمت صادرات، تنها صادرات کالاهای غیرنفتی را در بر می‌گیرد و با در نظر داشتن اهمیت صادرات نفت، منفی بودن تراز بازرگانی باکشورهای مختلف امری است که متناسب با ساختار نامتوازن تجارت خارجی و الگوی وابسته آن می‌باشد. ولی در مورد برخی از کشورها، سالهای متعددی هستی با در نظر گرفتن صادرات نفت خام، باز هم تراز منفی بوده است. کشورهای آلمان غربی و ژاپن دو کشور عمده صادر کننده کالا به ایران از این دسته از کشورها می‌باشند.

کلیه کشورهای مشکی در جدول شماره ۸ در صفحه

جدول شماره ۷ـ تراز بازرگانی خارجی ایران

(ارقام به میلیارد ریال و درصد)

سال	موازنه	درصد صادرات به مبادلات	سال	موازنه	درصد صادرات به مبادلات	سال	موازنه	درصد صادرات به مبادلات	سال	موازنه	درصد صادرات به مبادلات	سال	موازنه	درصد صادرات به مبادلات
۱۳۰۹	-۰/۳۵	۳۶/۲	۱۳۲۱	-۱/۸	۱۹/۳	۱۳۳۳	۰۲/۲	۵۶/۲	۱۳۴۵	-۶۱/۸	۱۳/۸	۱۳۵۷	-۶۹۲/۱	۷/۹۶
۱۳۱۰	-۰/۰۳	۴۹/۰	۱۳۲۲	-۱/۲	۲۷/۳	۱۳۳۴	-۲/۹	۹۲/۹	۱۳۴۶	-۷۶/۸	۱۳/۹	۱۳۵۸	-۶۳۷/۲	۷/۷
۱۳۱۱	-۰/۹۳	۴۹/۵	۱۳۲۳	-۲/۶	۱۹/۱	۱۳۳۵	-۱۸/۴	۲۳/۲	۱۳۴۷	-۹۰/۵	۱۴/۲	۱۳۵۹	-۷۳۰/۹	۵/۶
۱۳۱۲	-۰/۲۹	۲۳/۷	۱۳۲۴	-۲/۲	۳۰/۶	۱۳۳۶	۱۶/۹	۲۹/۹	۱۳۴۸	-۹۷/۰	۱۳/۸	۱۳۶۰	-۱۰۵۲/۹	۲/۹
۱۳۱۳	-۰/۳۹	۳۹/۳	۱۳۲۵	-۰/۶	۳۳/۱	۱۳۳۷	-۲۵/۵	۱۹/۲	۱۳۴۹	-۱۰۷/۱	۱۴/۲	۱۳۶۱	-۱۷۸/۹	۳/۳
۱۳۱۴	-۰/۳۷	۳۹/۱	۱۳۲۶	-۳/۵	۲۸/۷	۱۳۳۸	-۳۳/۹	۱۵/۶	۱۳۵۰	-۱۲۱/۹	۱۲/۳	۱۳۶۲	-۱۶۴۱/۱	۱/۸
۱۳۱۵	-۰/۴۸	۴۰/۱	۱۳۲۷	-۳/۶	۲۵/۹	۱۳۳۹	-۲۹/۳	۱۳/۷	۱۳۵۱	-۱۵۹/۸	۱۲/۹	۱۳۶۳		
۱۳۱۶	-۰/۷۲	۳۲/۸	۱۳۲۸	-۷/۵	۱۶/۱	۱۳۴۰	-۳۷/۶	۱۶/۹	۱۳۵۲	-۲۱۰/۹	۱۲/۵			
۱۳۱۷	-۰/۸۳	۲۴/۷	۱۳۲۹	-۳/۵	۳۳/۲	۱۳۴۱	-۳۳/۳	۱۷/۰	۱۳۵۳	-۲۰۸/۸	۸/۱			
۱۳۱۸	۰/۴۸	۹۳/۲	۱۳۳۰	-۹/۰	۲۷/۲	۱۳۴۲	-۴۹/۷	۱۹/۷	۱۳۵۴	-۷۶۰/۱	۹/۸			
۱۳۱۹	-۰/۰۸	۹۷/۹	۱۳۳۱	۰۰/۶۳	۵۲/۹	۱۳۴۳	-۲۵/۳	۱۶/۸	۱۳۵۵	-۸۶۳/۸	۲/۰			
۱۳۲۰	۰۰/۰۵	۵۱/۲	۱۳۳۲	۰۲/۶۶	۵۹/۴	۱۳۴۴	-۵۲/۹	۱۶/۹	۱۳۵۶	-۹۹۰/۲	۹/۱			

توضیح: درصد صادرات نسبت به جمع واردات و صادرات است

ماخذ: جداول شماره ۱ و ۹

جدول شماره ۸ـ کشورهای عمده طرف بازرگانی ایران

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	آلمان غربی			ژاپن			ایالات متحده امریکا			انگلستان			ایتالیا			فرانسه			سوئیس			هند			شوروی		
۱۳۵۰	۲۶/۸	۹/۱	-۲۶/۸	۲۸	۱/۶	-۱۹/۲	۲۲	۹/۲	-۲۰	۱۲	۰/۸	-۱۶	۷	۰/۷	-۶/۲	۷	۰/۶	-۶	-	-	-	۱۹	۵	۶
۱۳۵۱	۳۵/۲	۹/۵	-۳۱/۲	۲۶	۱/۷	-۹۵/۲	۲۲	۹/۲	-۲۱	۹۲	۱/۲	-۲۹	۸	۰/۸	-۷	۹	-	۹	-	-	-	۵	۸	۷/۲
۱۳۵۲	۴۶/۶	۹/۲	-۳۹/۹	۳۷	۲/۹	-۳۱/۱	۲۷	۹/۷	-۲۹	۲۳	۲/۰	-۲۹	۹	۱/۶	-۳	۱۲	۱/۶	-۱۰/۹	۵	۱	-۱	-	-	-	۲۲	۲	۰/۲
۱۳۵۳	۵۰/۷	۹/۳	-۴۱/۰	۵۸	۲/۱	-۳۷/۰	۳۸	۲/	-۱۶	۳۶	۲	-۳۳	۱۳	۱/۴	-۱۱/۸	۱۶	۱/۸	-۱۲	۸	۱	-۲	۱۸	۶	-۱۹
۱۳۵۴	۶۳	۹/۵	-۳۳/۵	۱۲۷	۱/۶	-۱۶۵/۷	۱۵۸	۲/	-۱۵۵	۷۱	-	-	۲۸	۲	-۲۹	۴۵	۱	-۳۳	۱۸	-	-	-	۲/۶	-
۱۳۵۵	۱۶۹	۹/۱	-۱۵۱/۹	۱۵۰	۱/۲	-۱۵۱/۷	۱۳۹	۲/۵	-۱۳۹/۵	۶۹	۱	-۶۳	۵۲	۲	-۵۰	۵۰	-	-	۳۳	-	-	-	۵/۵	-
۱۳۵۶	۱۹۸	۹/۷	-۱۹۳/۵	۱۹۳/۹	۱/۲	-۱۹۲/۷	۲۲۳/۹	۵/۰	-۱۶۰/۲	۲۳/۹	۱/۲	-۱۲/۷	۵۷	۱/۸	-۵۵	۴۲	۱/۱	-۱۶	۲۱	۰/۵	-۲۱	۱۹	۱/۲	-۱۹
۱۳۵۷	۱۵۱/۱	۹/۷	-۱۴۱/۹	۱۲۲	۱/۲	-۱۰۱	۵۹/۵	۲/۲	-۱۰۹	۵۹/۵	۰/۹	-۵۸/۵	۱۴	۱/۷	-۱۰	۲۶	۱/۲	-۲۴	۲۶	۱/۲	-۲۵	۱۵	۰/۹	-۱۵	-	۵	-
۱۳۵۸	۱۳۳/۹	۱۹/۸	-۱۰۴/۸	۹۵	۰/۹۹	-۹۱	۱۶/۹	۵/۲	-۸۶/۸	۱۶/۹	۱/۹	-۱۵	۲۸	۲/۹	-۲۵	۳۳	۱/۹	-۳۷	۲۹	۱/۹	-۳۷	۲۱	۰/۹	-۲۰	-	-	-
۱۳۵۹	۱۴۰/۲	۲۰/۰	-۱۲۰/۲	۷۵	۰/۷۹	-۷۴	۵۶/۹	-	-	۵۶/۹	۱/۹	-۵۵	۲۳	۲/۲	-۲۳	۲۸	۱/۲	-۲۶	۲۹	۱/۲	-۲۶	۲۹	۵/۷	-۲۴	۵۹	-	-
۱۳۶۰	۱۳۰/۲	۹/۰	-۱۲۱/۲	۱۲۹/۲	۰/۹	-۱۲۹/۲	۶۸/۲	-	-	۶۸/۲	۰/۲	-۶۷/۵	۵۷	۲/۲	-۵۴	۲۹	۰/۲	-۲۷	۲۲	۰/۲	-۲۲	۰	-	-			
۱۳۶۱	۱۲۲/۹	۹/۵	-۱۱۳/۹	۱۰۵/۸	۰/۹	-۱۰۵	۱۰	-	-	۱۰	۰/۲	-۱۰	۱۶/۲	۲/۹	-۱۳												
۱۳۶۲	۲۰۱/۰	۹/۲	-۱۹۹/۷	۱۶۹/۲	۰/۹	-۱۶۸/۳	۹۵	-	-	۹۵	۱/۲	-۹۳/۶	۹۳/۲	۲/۹	-۹۰/۳												

توضیح ـ علامت (-) بجای ارقام، بدلیل استفاده از جداول در کشور مهم طرف تجاری ایران و طبقه بندی شدن این کشورها در آن سال در رده کشور اول می باشد

ماخذ: سالنامه آماری کشور سال ۱۳۵۸ صفحه ۹۹۲، ۹۹۹، سالنامه آماری کشور، ۱۳۶۱ صفحه ۷۰۲ سالنامه ۶۱، ۱۶۲، سالنامه آمار ۱۳۶۳ صفحه ۶۱۳

سالها در مبادلات تجاری خود با ایران موازنه مثبت داشته اند و ایران بابت واردات از آنها مجبور به فروش نفت خام به آنها و یا فروش نفت خام به دیگر کشورها و تهیه ارز مورد نظر آنها بوده است.

به نسبت اهمیت هر کشور در واردات کالا به ایران، میزان کسری ناشی از مبادله تجاری ایران با آن کشور در طول زمان افزایش یافته است.

آلمان غربی بعنوان عمده ترین طرف مبادله تجاری ایران در سال ۱۳۵۰ با فروش ۲۹/۸ میلیارد ریال کالا به ایران تنها ۳/۹ میلیارد ریال و یا ۱۲ درصد فروش خود کالا خریداری کرده است و در مقابله ۲۶/۹ میلیارد ریال سازاد داشته است. همین کشور در سال ۱۳۵۶ با صادرات ۱۹۸ میلیارد ریال کالا به ایران تنها ۵/۷ میلیارد ریال و یا ۲/۹ درصد کالا از ایران وارد کرده است. همین ارقام برای سال ۱۳۶۲ بترتیب، ۳۰۱ میلیارد ریال، ۶/۹ میلیارد ریال و یا ۲/۹ درصد بوده است (جدول شماره ۸)

ژاپن نیز بعنوان دومین فروشنده کالا به ایران دارای وضع مشابهی است. در سال ۱۳۵۰ ژاپن ۷/۶ درصد و در سال ۱۳۵۶ حدود ۰/۵ درصد و درسال ۱۳۶۲ تنهاحدود ۰/۳ درصد فروش کالاهایش به ایران، از ایران خرید کرده است.

به این ترتیب رابطه تجاری این کشور شدیدتر از آلمان غربی است

از نظر اروش در اثر موازنه منفی تجاری در سال ۱۳۵۰ ایران ۲۶/۹ میلیارد ریال، در سال ۱۳۵۶ حدود ۱۹۲/۵ میلیارد ریال (۷ برابر سال ۱۳۵۰) و در سال ۱۳۶۲ حدود ۲۹۲/۷ میلیارد ریال (یازده برابر سال ۱۳۵۰) به تفع آلمان از دست داده است. در مورد ژاپن نیز به ترتیب سالهای مزبور ایران ۱۹/۹ میلیارد ریال، ۱۶۳ میلیارد ریال (حدود ۸ برابر سال ۱۳۵۰) و ۲۶۳ میلیارد ریال (حدود ۱۳/۶ برابر سال ۱۳۵۰) در اثر رابطه مبادله تجاری از دست داده است. با نرخ هر دلار ۷۵ ریال طی سالهای ۶۲ ـ ۱۳۵۰ آلمان غربی حدود ۲۲ میلیارد دلار و ژاپن حدود ۱۸/۵ میلیارد دلار در اثر تراز منفی بازرگانی خارجی از ایران دریافت داشته اند.

ـنتایج چنین رابطه تجاری برای طرفهای تجاری ایران، تامین بخشی از نیازهای حیاتی آنها به نفت خام و فروش بخشی از مازاد کالاهای تولیدی صنایع و گسترش امکانات تولیدی آنها بوده است و در این رابطه علاوه بر تامین تعادل اقتصادی خود رشد و توسعه آنرا موجب شده اند.

نتیجه:

الگوی تجارت خارجی ایران به این ترتیب از خصوصیاتی برخوردار است که کاملا با الگوی تجارت خارجی کشورهای توسعه یافته سرمایه داری متفاوت است.

در تجارت خارجی علاوه بر اینکه ما قادر به تعیین قیمت کالاهای وارداتی، و کالاهای صادراتی خود نیستیم، بدلیل ساختار اقتصادی داخلی و تقسیم بین المللی کار و الگوی مصرف موجود از الگوئی پیروی می کنیم که دارای این خصوصیات است. واردات شدیداً رو به افزایش بدون ارتباط با صادرات غیر نفتی، واردات مواد و کالاهای مصرفی بطور عمده، صادرات مواد اولیه، داشتن تراز منفی و افزایش شدید آن و بالاخره تمرکز واردات و صادرات (با در نظر گرفتن صادرات نفت) بر روی چند کشور معین.

چنین الگوئی به نیاز یک اقتصاد وابسته پاسخ می دهد و با رفع تنگناهای آن علاوه بر تداوم بخشیدن به موجودیت آن، ساختار اقتصادی مناسب تری برای گسترش و تعمیق بعدی خود فراهم می سازد.

از این نقطه نظر تجارت خارجی ایران تعادل بخش اقتصاد می باشد ولی نه مشابه آثار تعادل بخش کشورهای توسعه یافته، بلکه تقریباً در جهت عکس آن. کشورهای توسعه یافته از طریق رابطه تجاری اقتصادهای وابسته را جزئی از پیکر اقتصادی خود می سازند و با انتقال سرمایه به داخل از این طریق، علاوه بر رفع نیازهای اساسی به مواد اولیه شکوفائی اقتصاد خود را تامین می کنند در حالیکه ایران از طریق تجارت خارجی و تعادل بخشیدن به اقتصاد ساختار وابسته اقتصادی خود را تعمیق می کند و با انتقال سرمایه ها و ثروت ملی (نفت) خود به خارج از توسعه واقعی بیشتر باز می ماند.

الگوی مصرف وابسته و عدم کار کرد مناسب سیستم مالیاتی و کار کرد نامناسب سیستم پولی و بانکی کشور، تناقضاتی کلیی را در جامعه بوجود آورده که در شرایط وابستگی صنعتی و عقب ماندگی کشاورزی، تولید داخلی برای جبران آن کافی نیست.

قبل از انقلاب طبق برنامه و به عهده با واردات به تقاضاهای مزبور پاسخ داده شد و قیمتها در حد تا سال ۱۳۵۰ تثبیت گردید. ولی با افزایش مقدار واردات و عدم تکافوی شبکه حمل و نقل و تاسیسات وارداتی از این طریق نیز امکان تعادل در اقتصادموجود نیامد و قیمتها شدیداً افزایش یافت. پس از انقلاب به علل یاد شده و عمدتاً عدم تغییر الگوی مصرف و عدم جلب تقاضاهای اضافی از طریق اعزام مالیاتی حتی با واردات ۲۰ میلیارد دلاری نیز، علیرغم برقراری سیستم سهمیه بندی در مورد برخی از کالاها، تعادل اقتصادی نتوانست برقرار شود و قیمتها به افزایش خود ادامه دادند.

بنظر می رسد برای برقراری تعادل در اقتصاد ایران (صرفنظر از بحث تعادل در اقتصاد وابسته) با توجه به محدودیت منابع نفت، رشد شدید جمعیت، آنباشت عظیم در آمد بصورت نقدینگی بخش خصوصی و بکار افتادن آن در جهت توزیع کالا بعنوان پر سودترین طریق بکار گیری نقدینگی، نه تنها نمی توان از تجارت خارجی استفاده کرد بلکه اصولاً تحقق آن تقریباً امری نا ممکن و در صورت تحقق نیز تعادلی موقتی خواهد بود.

الگوی فعلی تجارت خارجی ایران با خصوصیات خودبطوردوام

الگوی مصرف و ساختار وابسته صنعتی کشور را بهمراه دارد و هرچه که گسترده تر زده شود علاوه بر تخلیه سرمایه ثروتها و سرمایه های ملی، زمینه مناسب تری برای تداوم خود فراهم می سازد.

تغییر الگوی تجارت خارجی ایران بطور نهائی امری است که به تغییر ساختار اقتصادی و الگوی مصرف آن

بقیه در صفحه ۱۳

مثلا واحدی می گوید با فلان مقدار ارز مصرفی می توانم کالای تولید شده را در مقابل مقدار معینی ارز صادر کنم و در حسن سطح اشتغال خود را حفظ کنم و کمی هم درآمد ارزی داشته باشم. این با توجه به این است که ما در طرح سیاست‌های نوین اقتصادی، در حد حفظ اشتغال هم اجازه تولید کالاهای صادراتی را داده‌ایم. به عقیده ما اگر اصلا درآمد ارزی نداشته باشیم ولی اشتغال حفظ شود بهتر از بسته شدن در واحد و اضافه شدن به تعداد بیکاران است.

● اطلاعات: صدور سواری از یک طرف و ورود آن از طرف دیگر، مثلاً صدور اتومبیل مزدا به بلغارستان و ورود «پاترول» از ژاپن چگونه توضیح داده می‌شود؟ البته شاید توضیح این امر به عهده وزارت صنایع سنگین باشد ولی بالاخره این جزیی از تجارت خارجی کشور ماست.

● در کار ما ضعف هایی وجود داشته و این امر پذیرفتنی است که ما می توانستیم در سیاست گذاری‌ها به گونه‌ای عمل کنیم تا جایی برای سوء استفاده باقی نماند.

● در حال حاضر حساسیت تصمیم گیری به حدی رسیده است که باید در سطح مقامات بالا صورت بگیرد و باید در جایی خارج از وزارت بازرگانی تعیین شود که مثلا کره یا پنیر وارد شود یا نه.

● در مجموع، همه به این نتیجه رسیده‌اند که راه تکیه بر کالاهای صادراتی سنتی، در نهایت به بن بست ختم می شود و این کالاها در نهایت امر برای اقتصاد کشور نجات بخش نیست.

● مالیات و سود بازرگانی واردات اکنون به حدی مناسب رسیده است و اگر باز هم تولید داخلی امکان رقابت با کالاهای وارداتی را نداشته باشد، ضعف را باید در نظام تولید جستجو کرد.

خسروتاج: واسطه‌ی کل واحدهای تولید خودرو در کشور ما جای سئوال دارند. این مورد خاص را ترجیح می‌دهم دیگران، پاسخگو باشند.

● اطلاعات: آیا صادرات مواد شوینده نیز با همین دیدگاه صورت می‌گیرد؟ با توجه به اینکه کمبود مواد شوینده از سوی دیگر سبب کاهش سطح بهداشت و افزایش واردات دارو خواهد شد. آیا این به صرفه است؟

خسروتاج: اگر پودر شوینده صادر نشود، هم هزینه‌های بهداشتی وجود دارد و هم هزینه بیکاری که ناشی از عدم صدور است وجود خواهد داشت. در انتخاب یکی از دو شق بد همیشه شقی را که بد آن کمتر است، انتخاب می کنیم. مثلا وزارت صنایع می‌گوید من برای فلان واحد تولید پودر شوینده ارزی درنظر نگرفته‌ام و این واحد باید حتما درصدی از تولید خود را صادر کند تا بتواند مواد اولیه خود را تامین کند. بنابراین ما در ابهام قرار می گیریم. مجموعه وزارت بازرگانی علاقمند است بازار داخلی را تامین کند. به ویژه بخش بازرگانی داخلی معتقد است که کالاها هرچه بیشتر صرف تامین نیاز داخلی شوند. ولی بخش بازرگانی خارجی هم باید در پی متوازن کردن تجارت خارجی، و جلوگیری از فشار ارزی باشد. پس مجبوریم اجازه دهیم درمقابل دریافت ارز، مقداری از محصول صادر شود به هرحال این تصمیم به خاطر این است که واحد موردنظر مسائل بتواند خودش را اداره کند. یعنی اگرنتواند کمکی به پرداخت کند، حداقل روی پای خودش بایستد. در این دوراهی، سیاست دولت براین است که اشتغال حفظ شود

ساختار تجارت خارجی

● اطلاعات: در مورد شرکای تجاری خارجی و سهم آنها در تجارت خارجی هم کمی صحبت کنید.

خسروتاج: ما این اولویت را داریم که جهت حرکت ما باید به شکلی باشد و با کشورهایی روابط اقتصادی داشته باشیم که در بخش سیاسی برای آنها اهمیت قایل هستیم. اما این کشورها در یک سری از اقلام ظرفیت مبادله خارجی دارند و در مورد برخی از کالاها امکاناتی ندارند. در شرایطی که درآمد ارزی بالا باشد قدرت مانور روی منابع تامین کالا وجود دارد. مثلا در شرایطی که ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار درآمد داشتیم به مراتب بهتر می توانستیم رابطه خود را با کشورهای تامین کننده کالا تنظیم کنیم. ولی وقتی درآمد کم می‌شود اثرگذاری روی بازارهای خارجی کمتر است. با این حال ما معتقدیم که کشورهای جهان سوم هنوز هم بسیاری مواد وارداتی ما را می‌توانند تامین کنند.

ارقام یازده ماهه گذشته نشان می‌دهد که ۶۶/۳۱ درصد مبادلات بازرگانی ما با بلوک غرب، ۱۰/۰۷ درصد آن با کشورهای بلوک شرق، ۱۴/۱۸ درصد با کشورهای اسلامی و ۹/۴۲ درصد باقی مانده با کشورهای جهان سوم غیراسلامی صورت گرفته است. رقم ۶۶ درصد درمقایسه با سال مقابل آن که ۶۹/۹۵ بوده است، بیشتر به دلیل ایجاد محدودیت ارزی پیش گفته افزایش یافته است.

● اطلاعات: رابطه واردات کالا با توزیع داخلی آن چیست. ظاهرا درمواردی واردات توسط دولت صورت می‌گیرد اما توزیع آن به بخش خصوصی واگذار می‌شود

خسروتاج: وظیفه عمده تجارت خارجی تامین کالا براساس سفارش بخش بازرگانی داخلی است. یعنی وقتی بخش بازرگانی داخلی تعیین کرد که چه مقدار کالا برای کشور موردنیاز است، بخش بازرگانی خارجی برمبنای نیاز اقدام به واردات می کند. بعد از ورود کالا، اینکه سهم توزیع چگونه باشد توسط بازرگانی داخلی تعیین می‌شود. بنابراین بخش بازرگانی خارجی دربخش توزیع دخالتی ندارد و وارد آن نمی‌شود. البته من معتقدم درمورد هرکالا باید با مطالعه کافی یک سیستم معین توزیع را انتخاب کرد.

● اطلاعات: سهم بخشها در واردات کشور چه مقدار است؟

خسروتاج: طبق همین آمار مربوط به ۱۱ ماهه سال گذشته، سهم واحدهای ملی شده ۳۳/۸۴ درصد از کل لیست سفارش‌ها بوده است. سهم سازمانهای دولتی ۵۳/۰۵ درصد، سهم مراکز تهیه و توزیع ۹/۵۸ درصد و سهم نهادها ۰/۵ درصد بوده است که کالا رقمی حدود ۸۶/۹۲ درصد را شامل می‌شود. سهم بخش تعاونی ۱/۹ درصد و سهم بخش خصوصی نیز ۱۱/۱۵ درصد می‌شود. البته این سهم غیر از سهم عمده بخش خصوصی در واردات با ارز صادراتی است. یعنی بیش از ۹۰۰ میلیون دلار صادرات غیرنفتی داشته‌ایم که ۷۰۰ میلیون دلار آن دارای تعهد ارزی بوده است و ۶۰۰ میلیون دلار آن صرف واردات کالا شده است و قسمت عمده این واردات توسط بخش خصوصی بوده است.

الگوی تجارت خارجی ایران

بقیه از صفحه ۹

وابسته است. ولی جهت تسهیل این تغییرات، تجارت خارجی مقدمتاً می‌تواند با دگرگونی خود امکانات ارزی و اصولا مبادلات تجاری را در خدمت توسعه اقتصادی استقلال بخش قرارداد.

اگر با انتخاب از واردات کالاهای مصرفی و برقراری ارتباط درجانبه بین واردات و صادرات غیر نفتی با هر کشور، در رشد صادرات متناسب با افزایش توان تولیدی جامعه و کاهش مصرف بخاطر صدور کوشش شود، علاوه بر کاهش نیاز ملی و رشد کشاورزی، صنعت و معدن، واردات در خدمت صنایع اساسی تولید کننده آنچه که هم اکنون از خارج وارد می‌کنیم قرار می‌گیرد. با چنین الگوئی ازتجارت خارجی وباتأکید برواردات علوم وتکنولوژی مناسب توسعه اقتصادی ایران، با اتخاذ سایر تدابیر اقتصادی و اجتماعی بهترین آنچنان تغییرات مثبتی در اقتصاد ایجاد خواهد شد که الگوی منطقی تجارت خارجی که تمرکز سرمایه در کشور را در پی دارد تحقق خواهد یافت.

از نظر تسهیل تغییر اولیه الگوی تجارت خارجی اجرای برخی سیاستهای دیگر نیز ضروری است. نظارت بر مصرف و تغییر آن با هدف مصرف آنچه که واقعا در داخل تولید می‌شود وصدور کالاهای صنایع وابسته (آنچه که هم اکنون نیز در شرف وقوع است)، افزایش مالیاتهای مستقیم از صاحبان درآمد بویژه درآمدهای ناشی از امور غیر تولیدی، هدایت سیستم اعتبار دهی بانکها بسوی امور تولیدی، تمرکز سرمایه گذاری‌های دولت با اولویت تمام بسوی صنایع سنگین با هدف رفع نیازهای بخش کشاورزی و تأمین نیازهای صنایع سبک موجود، توجه به صنایع پردرآمدی بعنوان محور اساسی توسعه اقتصادی ایران، تقویت بخش تعاونی و هدایت نهادها بویژه بنیاد مستضعفان در استفاده از توانائی‌ها و امکانات خود برای ایجاد تغییرات اساسی در اقتصاد کشور

در صورت ایجاد چنین تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران الگوی تجارت خارجی‌ای خواهیم داشت دارای مازاد، صادرکننده کالاهای ساخته شده صنعتی (بطور عمده)، وارد کننده علوم و تکنولوژی پیشرفته، طرفهای تجاری متعدد با عدم تمرکز، مبادلات وسیع با سایر کشورهای جهان سوم و ایجاد هم پیوندی اقتصادی و تجاری با آنها در جهت توسعه و کسب استقلال اقتصادی مطلق.

زیرنویس‌ها

۱- تسلط شرکتهای فراملیتی بر مزیت صنعتی شدن جهان سوم و تفاوت شدید سطوح تکنولوژی در دوقطب کشورهای توسعه یافته و جهان سوم، امکانات چندبعدی از نظر صدور مواد قطعات، ماشین آلات و تکنولوژی از کشورهای توسعه یافته به جهان سوم را به وجود آورده و درعین حال صدور تولیدات این صنایع را از برخی کشورهای جهان سوم ممکن گردانیده است.

۲- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲ صفحات ۲۰۸ و ۲۱۲.

۳- این ارقام ازگزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران سال ۱۳۶۲ صفحه ۲۱۴ اخذ شده است.

۴- گزارش اقتصادی وترازنامه بانک مرکزی ایران سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، به ترتیب صفحات ۲۳۳ و ۱۳۴.

۵- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران سال ۱۳۵۹، صفحه ۱۷۳

۶- مأخذ شماره ۲، صفحه ۱۶۸

۷- کلیه درصدهای مزبور از گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران سال ۱۳۵۶، صفحات ۲۵۲ و ۲۵۳ و سال ۱۳۶۲ صفحه ۲۱۸ نقل شده است.